

تحلیل فقهی - اقتصادی استخراج ارزشهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام؛ (مطالعه موردی بیت کوین)

ayvazlou@isu.ac.ir
samosavian@yahoo.com
mohsenrezay@gmail.com
lawyer.j.nouri@gmail.com

حسین عیوضلو / دانشیار گروه اقتصاد سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)
سیدعباس موسویان / استاد گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
محسن رضائی صدرآبادی / دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع)
جواد نوری / دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴
چکیده

در اواخر سال ۲۰۰۸، با رشد فناوری‌ها و گسترش فضای مجازی، پدیده‌ای تحت عنوان ارز رمزنگاری شده «بیت‌کوین» به جهان معرفی گردید و مورد اقبال عمومی قرار گرفت. هرچند استخراج ارزشهای مجازی در کشورهای اسلامی و ایران گسترش یافته، هنوز ابهاماتی شرعی در زمینه حلیت و مشروعیت درآمد حاصله از آن وجود دارد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی فقهی-اقتصادی استخراج ارزشهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام می‌پردازیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اولاً، با توجه به گسترش مصادیق مختلف ارزشهای مجازی، باید حکم استخراج هر ارز مجازی را به صورت مجزا، با اصول و قواعد اسلامی تطبیق داد. در این راستا، از منظر فقه فردی، اگر پاداشی که در ازای فعالیت استخراج پرداخت می‌شود، امری باشد که در نظام اقتصادی، عوض و مابه‌ازاء معتبر نداشته باشد، عقد باطل است. ثانیاً، از منظر فقه حکومتی، پرداختن به فعالیت استخراج ارزشهای مجازی‌ای که منجر به تقویت حکومت اسلامی گردند، جایز بوده و باید مورد توجه قرار گیرند. در مقابل، استخراج ارزشهایی که موجب استیلاء نظام سلطه بر حکومت اسلامی شوند، جایز نیست. کلیدواژه‌ها: ارز مجازی، بیت‌کوین، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: E51, j31, K24, K24, Z12

در فوریه سال ۲۰۰۸، در مقاله‌ای توسط برنامه‌نویس ژاپنی به نام مستعار ساتوشی ناکاموتو، پول مجازی «بیت‌کوین»، به متخصصان و مردم جهان معرفی شد. در این اسناد، وعده داده شده بود این پول دیجیتال نیازی به نهادهای قانونی مالی برای تبادل پول و بایگانی اطلاعات ندارد و دو طرف به‌طور مستقیم بدون درگیر شدن با فرایندهای احراز هویت، می‌توانند با یکدیگر معامله کنند (ساتوشی ناکاموتو، ۲۰۰۹).

با گسترش ارزشهای مجازی و اقبال عمومی مردم جهان نسبت به آنها، پس از سال‌های ۲۰۰۹ تا به امروز، حجم زیادی از فعالیت‌های علاقه‌مندان به ارزشهای مجازی، در کسب سود و درآمد از طریق استخراج معطوف گردید. در حالی که فارغ از مشکلات احتمالی زیست‌محیطی و مصرف بیش از اندازه برق که مورد اذعان فعالان و متخصصان این حوزه است، از منظر یک مسلمان و یک نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام، این مسئله حائز اهمیت است که آیا فعالیت استخراج و دریافت پول (ارزش خلق شده) در این رابطه و کسب درآمد از این طریق، از لحاظ شرعی مورد تأیید است؟ یعنی کار انجام شده و کسب درآمد، از این راه از منظر فقه و اقتصاد اسلامی قابل قبول است؟

در این تحقیق، برای پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا به صورت خلاصه مکانیزم استخراج و پروتکل اجماع اثبات کار تبیین گردید. سپس، به تحلیل فقهی - اقتصادی این فعالیت، از دو منظر فقه فردی و فقه حکومتی پرداختیم. از منظر فقه فردی، تطبیق این فعالیت بر عقود فقهی جعاله و مشارکت مورد تحلیل قرار گرفته و سپس، از منظر فقه حکومتی آثار این فعالیت بر نظام اقتصادی و حاکمیت پولی کشور بررسی شد. سرانجام، حکم فقهی آن تبیین گردید.

پیشینه تحقیق

در خصوص مسائل فقهی ارزشهای مجازی، مانند بیت‌کوین مطالعات اندکی در خارج و داخل انجام شده است. اکثر مطالعات، در زمینه خرید و فروش و مبادله ارزشهای مجازی بوده است. در مورد درآمدهای ناشی از استخراج و مسائل فقهی آن، تنها یک مطالعه فقهی به آن پرداخته است. برخی مطالعات، مرتبط با مسئله تحقیق، که می‌تواند مورد توجه باشد، به شرح ذیل است:

مفتی *فراز آدم* (۲۰۱۷)، در تحقیق خویش با عنوان «تحقیق بر روی پول و بیت‌کوین بر اساس قوانین اسلامی و اقتصاد»، به بررسی این سؤال پرداخته که آیا بیت‌کوین، بر اساس معیارها و قوانین اسلامی به‌عنوان یک پول مورد پذیرش قرار می‌گیرد، یا خیر؟ وی در پاسخ، به این نتیجه می‌رسد که بر اساس قوانین اسلامی در حوزه پول، می‌توان بیت‌کوین را یک پول اسلامی به تمام معنا به‌شمار آورد.

ابوبکر (۲۰۱۸)، در تحقیق خود ابتدا به سیر تکاملی پول و رسیدن به پول‌های جدید یعنی ارزشهای رمزنگاری‌شده، پرداخته، سپس مالیت بیت‌کوین را مورد تحلیل فقهی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که مالیت بیت‌کوین مورد قبول اسلام است و از نظر ایشان، استفاده از آن حلال است.

سلیمانی پور و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خویش تحت عنوان «بررسی فقهی پول مجازی» سعی کرده‌اند بر

اساس ماهیت‌شناسی پول مجازی و تحلیل فقهی پول، بر پایه نظریه مال اعتباری بودن پول، احکام شرعی در خصوص پول مجازی را تبیین نمایند. نتایج تحقیق ایشان، نشان می‌دهد که تنها ملاحظه پذیرش پول مجازی در نظم کنونی پول، سامان نظام دو پول حقیقی و مجازی در کنار یکدیگر است.

نواب‌پور (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری‌شده (مورد مطالعه بیت‌کوین)» و همچنین مقاله مستخرج از آن (۱۳۹۷)، به بررسی فقهی حکم استفاده از پول‌های رمزنگاری شده، با استفاده از روش تحقیق «اجتهاد چندمرحله‌ای» پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی پول‌های رمزنگاری شده، به دلیل تطابقشان با اصول ممنوعیت ربا، ممنوعیت ظلم، حفظ حقوق مالکیت و آزادی، در معاملات نسبت به نظام پولی جاری ارجحیت دارد، اما به‌طور خاص استفاده از یکی از مصادیق آن، به نام «بیت‌کوین»، به دلیل ویژگی‌های خاص آن جایز نمی‌باشد.

در آخرین مطالعه موجود، خردمند (۱۳۹۸)، در مقاله خویش با استفاده از روش تحلیلی، به تحلیل فقهی فرایند استخراج و مبادله ارزهای مجازی پرداخته است. ایشان پس از بررسی شقوق مختلف عقود و معاملات در سطح فقه فردی، به این نتیجه رسیده است که مالکیت ارزهای مجازی را می‌توان در قالب «تلاش برای رمزگشایی و حیازت پاداش دریافتی از شبکه» تفسیر کرد. همچنین، وی در باب معامله این ارزها به این نتیجه رسیده است که امکان مراعات شرایط متعاقبین، عوضین و انشاء معاطاتی تملیک وجود دارد و اشکالات مطرح شده پیرامون تجارت رمز ارزها، از جمله بیت‌کوین، همچون پولشویی و ایجاد حباب ارزی و غرری و ضرری بودن خرید آن، نمی‌تواند مبنای عدم مشروعیت تجارت رمز ارزها باشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اکثر تحقیقات فقهی و اسلامی انجام شده در خصوص ارزهای مجازی، به بحث مبادله و خرید و فروش آنها پرداخته‌اند. مباحث فقهی استخراج، جزء در مقاله خردمند، آن هم از منظر فقه فردی، مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو، این تحقیق اولین مقاله علمی است که به‌صورت مفصل، به شقوق مختلف استخراج ارزهای مجازی با دو رویکرد فقه فردی و فقه حکومتی می‌پردازد.

تبیین ماهیت فنی - اقتصادی ارزهای مجازی

برای آشنایی بهتر با ارزهای مجازی و سازوکار آنها، باید به مباحث فنی پیاده‌سازی و اجرایی کردن بیت‌کوین، به‌عنوان اولین ارز مجازی رمزنگاری شده، اشاره کرد و مفاهیم بلاکچین، پروتکل اجماع و نحوه خلق ارز مجازی را توضیح داد:

بلاکچین

ساتوشی برای حل مشکل مصرف دوباره پول در شبکه نقل و انتقالات پولی و از بین بردن واسطه‌ها، شبکه نقطه به نقطه، بر مبنای بلاکچین را طراحی و برنامه‌ریزی کرد که همه اطلاعات نقل و انتقال، بین کلیه کامپیوترهای فعال در شبکه، که در سراسر جهان توزیع شده‌اند، به اشتراک گذاشته شود، به‌گونه‌ای که در این شبکه، تمام جزئیات

تراکنش‌ها (از جمله زمان و تاریخ انجام آنها، مقدار رد و بدل شده و...) ثبت شود تا امکان تقلب و خرج نمودن دوباره پول از بین رود (ساتوشی، ۲۰۰۹).

لازم به یادآوری است اتصال بلاک‌ها به یکدیگر، موجب ایجاد تاریخچه‌ای از تراکنش‌ها می‌شود که تغییر یا حذف هر یک از آنها را غیرممکن می‌سازد؛ زیرا این اتصال به صورت رمزنگاری شده بوده و تنها در صورتی قابل جعل می‌باشد که شخص مهاجم، حجم زیادی از توان پردازشی و محاسبه‌کننده را در اختیار خود داشته باشد (همان). هنگامی که مسئله ریاضی مرتبط با یک بلاک حل می‌شود، آن بلاک به همراه شناسه ارجاع به بلاک قبلی خودش و یک برجسب زمانی، به سر زنجیره متصل می‌شود و این طراحی موجب می‌شود که زنجیره غیرقابل برگشتی ایجاد شود.

پروتکل اجماع «اثبات کار» و توافق عمومی

به‌طور کلی، توافق عمومی یعنی فرایند توافق بر وضعیت نهایی داده (اطلاعات تراکنش‌ها)، توسط گره‌های (Nodes) سیستم توزیع شده؛ یعنی همان سرورها و پردازشگرهای ثبت‌کننده و تأییدکننده اطلاعات است. همان‌طور که بیان شد، دستیابی به چنین توافقی میان دو گره به سادگی امکان‌پذیر است. اما با وجود گره‌های متعدد که باید روی یک اطلاعات تراکنش واحد به اجماع برسند، این مسئله بسیار دشوار خواهد بود. ساتوشی، برای حل این مشکل با ادغام علم ریاضیات، نرم‌افزار، برنامه‌نویسی و سخت‌افزار، پروتکل اجماع اثبات کار را طراحی کرد. پروتکل اجماع «اثبات کار»، روشی است که به تأیید تراکنش‌های ضبط شده درون بلاکچین بیت‌کوین کمک می‌کند (داویدسون و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۵).

سازوکار اثبات کار موجب می‌شود که رایانه‌های شبکه، قبل از اینکه یک بلاک خاص از تراکنش‌ها را تأیید اعتبار کنند، باید یک مسئله ریاضی و محاسباتی تصادفی و پیچیده را حل کنند (رایت و دفیلیبی، ۲۰۱۵، ص ۷). از سوی دیگر، توکن‌های جدید بیت‌کوین، به‌عنوان جایزه از سوی شبکه، به اولین کاربری اهدا می‌شود که مسئله مرتبط با هر بلاک جدید را حل می‌کند؛ یعنی خلق بیت‌کوین در این سیستم به صورت اتوماتیک و برنامه‌نویسی شده انجام می‌شود. لازم به یادآوری است که فرایند مشارکت در شبکه و همکاری در ثبت و تأیید اطلاعات و دریافت جایزه را که همان توکن‌های خلق شده و اعتبار شده بیت‌کوین است، فرایند «استخراج» نامگذاری کردند و جایزه‌ای که در ازای این فرایند اهدا می‌شود، به دلیل اهدای قدرت محاسباتی به شبکه بیت‌کوین است. این فرایند هم امنیت و هم رشد این شبکه را افزایش می‌دهد.

لازم به یادآوری است که به دنبال نوآوری بیت‌کوین و رشد روزافزون آن، توجهات بسیاری به سوی بلاکچین و برنامه‌نویسی سایر ارزهای مجازی معطوف شد. به‌گونه‌ای که پس از بیت‌کوین، ارزهای مجازی دیگری با بلاکچین‌ها و سازوکارهای متفاوت، توسط متخصصان ایجاد شدند. همچنین، پیشرفت‌هایی در زمینه بلاکچین و کاربردهای دیگر آن، طی دهه گذشته انجام گرفت که در این مقاله مجال بیان آنها نیست. حال در اینجا با توجه به اینکه سازوکار فنی نحوه تأیید و استخراج ارزهای مجازی مشخص شد، به تحلیل فقهی - اقتصادی آن می‌پردازیم:

تحلیل فقهی - اقتصادی استخراج ارزهای مجازی

در بیان روش‌شناسی تحلیل ماهیت استخراج ارزهای مجازی باید گفت: فقه با توجه به ظرفیت مدیریت جامعه، باید با گزاره‌های مستحدثه به‌گونه‌ای برخورد کند که در صورت وجود امکان اصلاح ماهیت یک موضوع مستحدثه، به نحوی عمل کند که حاکمیت و جامعه در عین رعایت جنبه‌های شرعی، از مزایای حاصله از آن ماهیت محروم نگردد. آنچه باید توجه داشت این است که تعابیری چون فقه نظریه و فقه نظامات که برخی از محققان بدان اشاره می‌کنند، به این معناست که فقه دارای ظرفیتی است که علاوه بر تنظیم روابط فردی، قدرت مدیریت جامعه را دارد. این جنبه علم فقه، تاکنون مغفول مانده است. به عبارت دیگر، حرکت از نظام اقتصادی فعلی که ناظر بر وضع موجود است، به سمت مکتب اقتصادی، با کمک فقه نظام‌ساز امکان‌پذیر است و تنها چاره، این است که کلیه گزاره‌های خرد در هر یک از این نظامات (مثلاً نظام اقتصادی)، علاوه بر تطبیق با اهداف مکتب اقتصادی، با اهداف مکاتب سیاسی و اجتماعی اسلامی تطبیق گردد، تا غایت نهایی که دستیابی به یک الگوی اسلامی در مدیریت جامعه است، حاصل گردد.

در موضوع تحلیل فقهی ارزهای مجازی نیز باید به دو جنبه فقه معاملات (فقه فردی) و فقه حکومتی (فقه نظامات) توجه شود. در نتیجه، در هر موضوع اقتصادی باید علاوه بر تأثیر فردی، اثر کلان اقتصادی و اجتماعی آن نیز دیده شود. این معنای نگاه جامع‌نگر به موضوعات اقتصادی است تا هدف از ایجاد نظام اقتصادی با توجه به اهداف مکتب اقتصادی محقق گردد. بر اساس آنچه گفته شد، در بررسی فقهی ماهیت استخراج، ابتدا باید به تحلیل نوع ارتباط میان منتشرکنندگان این ارزها، با استخراج‌کنندگان آن و سپس، به بررسی نوع ارتباط میان افراد استخراج‌کننده پرداخته شود.

بدین منظور، به این نکته باید توجه کرد که با بررسی دقیق ماهیت استخراج معلوم می‌شود که انتشاردهندگان این ارزها، با یک درخواست عام از جامعه هدف خود، تقاضا می‌کنند که با انجام عمل استخراج که منبای خلق این ارزها می‌باشد، علاوه بر افزایش عددی این نوع ارزها موجب قوام ساختار آن ارز (مانند بیت‌کوین و سایر ارزها) شوند. در مقابل، پاداشی که از جنس همین ارزها می‌باشد، دریافت نمایند. باید این مطلب را مورد توجه قرار داد که خلق این ارزها موجب اقبال عمومی به ارز مورد استخراج خواهد شد. در نتیجه، بحث فقهی در مورد این ارزها، علاوه بر تحلیل رابطه حقوقی میان بازیگران آن، باید تأثیر استخراج و گسترش این نوع ارزها بر اقتصاد کلان و حاکمیت نیز مورد بررسی قرار گیرد.

در نتیجه، مخترعان این ارزها، در واقع ایجاب (انشاء) عامی را با این مضمون دارند که هر شخصی اطلاعات مربوط به یک تراکنش را تأیید نماید، در مقابل واحدی از ارز استخراج شده را به‌عنوان حق‌العمل دریافت می‌کند. زمانی که یک شخص با مقدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، اقدام به عملیات استخراج می‌کند، در واقع آن ایجاب عام را قبول عملی می‌کند و زمانی که مستخرج، یک تراکنش را تأیید می‌کند، مستحق دریافت حق‌العمل می‌شود. حال بیان چند نکته حائز اهمیت است: اولاً، ماهیت استخراج در عین پیچیده بودن، بر پایه منطق ریاضی و

علوم دیگر شکل گرفته است و پیچیده بودن به معنای نامعلوم بودن، مردد یا مبهم بودن عملیات استخراج، که موضوع بحث است، نمی‌باشد، بلکه از جهت اهل فن جهات و کیفیات آن کاملاً مشخص است، هرچند برای افراد استخراج‌کننده، کیفیت دقیق این عملیات مشخص نباشد.

ثانیاً، حق‌العمل تخصیص داده شده برای استخراج این ارزها، واحدی از خود این ارزها می‌باشد. در نتیجه، اگر قائل به ابهام در مالیت این ارزها شویم، به دلیل اینکه مالیت این ارزها به نحو تفصیلی مشخص نمی‌باشد، با ماهیتی اجمالی از حیث مالیت برای حق‌العمل نیز روبرو خواهیم شد.

ثالثاً، ممکن است ایجاب خطاب به شخص معین یا عموم باشد. در ایجاب عام، اراده انشایی موجب خطاب به تمام مردم اعلام می‌شود و هر یک از مردم می‌توانند آن ایجاب را قبول کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۲). فقهاء نیز ایجاب عام را در جماله مورد قبول قرار داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵ و ۳۶۳) که می‌توان صحت ایجاب عام را با توجه به وجود معاملات فراوانی، که در عصر حاضر مبتنی بر ایجاب عام هستند و فقهاء معاصر ایرادی بر آنها وارد نموده‌اند، مانند خرید و فروش‌های اینترنتی استنباط نمود.

در ادامه، استخراج ارزهای مجازی در سطح خرد، از منظر فقه فردی سپس، در سطح کلان اقتصادی از منظر فقه حکومتی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل استخراج از حیث فقه فردی

شرکت سهامی و شرکت مدنی

ممکن است در بیان ماهیت عقدی استخراج و این ارزها گفته شود که بیت‌کوین، به‌منزله شرکت سهامی است و ماینرها سهامداران آن هستند و مستند فقهی آن را عقد شرکت بدانیم. به نظر می‌رسد، این نظر از جهات متعدد دارای اشکال است. شرکت تجاری، «قراردادی است میان دو یا چند شخص، بنا بر آن هر یک از شرکا آورده‌ای با خود به شرکت می‌آورد، با این وصف که مالکیت هر شریک نسبت به آورده‌اش منحل گردد و آورده‌ها به مالکیت شخص حقوقی شرکت درآید و سود و زیان نیز به نسبت مقرری بین ایشان تقسیم شود» (توکلی، ۱۳۹۷، ص ۸۱). با توجه به این تعریف و سایر تعاریف، می‌توان دریافت که تبدیل آورده‌ها از مالکیت شخص حقیقی به مالکیت شخصیت حقوقی شرکت، مورد توافق تعاریف شرکت تجاری است که می‌توان از این خصوصیت، به‌عنوان رکن اساسی در تشکیل شرکت تجاری نام برد.

در مقام تطبیق تعریف شرکت تجاری بر شرکت سهامی که در ابتدای بحث بدان اشاره شد باید گفت: اولاً، استخراج‌کنندگان که به‌عنوان سهامدار این شرکت از آنها نام برده می‌شود، در ابتدا هیچ آورده‌ای اعم از نقدی و غیرنقدی به این شرکت فرضی ارائه ننموده‌اند، بلکه تنها فعالیتی را به قصد ایجاد ارز رمزنگاری شده مانند بیت‌کوین شروع کرده‌اند که اگر هدف؛ یعنی تأیید تراکنش به انجام رسید، واحدی از این ارزها به تملک استخراج‌کننده در می‌آید. ثانیاً، هنگامی که واحدی از این ارزها به تملک استخراج‌کننده به‌عنوان پاداش یا حق‌العمل در می‌آید، در کیف

پول استخراج‌کننده قرار گرفته و دیگر استخراج‌کنندگان حقی برای تصرف در موجودی این کیف پول ندارند. ثالثاً، شرکت سهامی شرکت تجاری است، نه مدنی. از این رو، استناد به شرکت مدنی به‌عنوان عقد معین در قانون مدنی و همچنین، استناد به ماده ۱۰ این قانون، محملی ندارد؛ زیرا شرکت مدنی مطابق تعریف فقهاء: «اجتماع حقوق المالک، فی الشیء الواحد علی سبیل الاشاعه» (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۴). در ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت این‌گونه تعریف شده است: «اجتماع حقوق مالکیت متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». با توجه به تعاریف بیان شده اشاعه، اثر عقد شرکت است و مالکین متعدد از طریق اشاعه، در موضوع شرکت دخیل هستند و عمده تفاوت شرکت مدنی و شرکت تجاری در ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت تجاری است، به خلاف شرکت مدنی.

در نتیجه، مالکیتی برای شرکت فرضی (برای مثال، شرکت سهامی بیت‌کوین) ایجاد نمی‌گردد. در صورتی که این مالکیت ایجاد نگردد، شرکت سهامی به‌معنای واقعی آن تشکیل نشده است. همچنین، به علت عدم اشاعه حقوق استخراج‌کنندگان در میزان معینی از ارز قابل استخراج، تطبیق آن بر شرکت تجاری و مدنی غیرقابل قبول است.

حیازت مباحات

از جمله فروزی که برای ماهیت استخراج بیان شده، حیازت مباحات است. با این فرض که ارزشهای استخراج نشده به‌عنوان اموالی که بالقوه قابلیت تملک دارند و دارای مالک خاص نمی‌باشند، توسط استخراج‌کنندگان به‌واسطه عملیات استخراج تملک می‌شوند. برای تحلیل این موضوع، ابتدا به تعریف فقهی و حقوقی حیازت مباحات و بیان ارکان و شرایط آن پرداخته و سپس، به تطبیق آن با فرض فوق‌الذکر می‌پردازیم:

در بیان حیازت مباحات گفته‌اند:

مراد از مباحات (یا مباحات عام یا مباحات اصلی)، که بخشی از مشترکات به‌شمار می‌روند، ثروت‌های طبیعی است که مالک خاص ندارند و عموم مردم در حق استفاده کردن از آنها مشترک‌اند. هیچ مانع شرعی برای بهره‌برداری یا تملک آنها به شکل متعارف وجود ندارد. مانند اموال گمشده، آب‌هله، مراتع، گیاهان، شکارهای خشکی و دریایی و... (صدر، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۲).

همچنین، در ماده ۱۴۶ قانون مدنی در تعریف حیازت مباحات آمده است: «حیازت تصرف و وضع ید است یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلاء».

باید گفت: وضع ید و استیلاء، فرع بر وجود بالفعل مالی است که موضوع حیازت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، حیازت مباحات تملک اموال آزاد و مباح (بدون مالک) است (بیات، ۱۳۹۸، ص ۹۳). در نتیجه، وجود بالفعل مال، پیش از تملک باید وجود داشته باشد و بدون وجود بالفعل حیازتی محقق نمی‌گردد؛ زیرا رکن مادی حیازت، تصرف و وضع ید یا استیلاء بر مال، با امکان تصرف و انتفاع و مهیا کردن وسایل تصرف و استیلاء است. در حالی که در ارزشهای مجازی قابل استخراج باید گفت: تا پیش از استخراج هیچ ارزی وجود ندارد. به عبارت دیگر، استخراج علت خلق و ایجاد ارزشهای قابل استخراج می‌باشد و تا پیش از استخراج، ارزی وجود ندارد و تصرف و انتفاع نیز بالتبع منتفی می‌باشد. به همین دلیل، تطبیق ماهیت استخراج بر حیازت مباحات، تخصصاً منتفی است.

احتمال دیگری که در ماهیت عملیات استخراج مطرح است، عقد جعاله است. فقهاء در تعریف عقد جعاله بیان می‌دارند: «صیغهٔ ثمرتها تحصیل المنفعة بوعوض مع عدم اشتراط العلم فیهما أی فی العمل و العوض و یجوز علی کل عمل محلل مقصود و لایفتقر إلی قبول لفظی، بل یکفی فعل مقتضی الاستدعاء به و لا إلی مخاطبة شخص معین» (شهیدثانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۴). امام خمینی^{ره} نیز در *تحریرالوسیله* در تعریف جعاله می‌فرماید:

جعاله عبارت است از: ملتزم شدن به عوض معلومی بر عمل محلل مقصود یا عبارت از انشاء نمودن التزام به آن، یا قرار دادن عوض معلومی بر چنین کاری است و امر سهل است و به ملتزم: جاعل و به کسی که آن کار را انجام می‌دهد: عامل؛ و به عوض: جعل و جعلیه گفته می‌شود و جعاله به ایجاب احتیاج دارد و آن هر لفظی است که دلالت بر آن التزام بکند و ایجاب یا عام است مثل اینکه بگوید: «هر کس مثلاً چهارپای من را برگرداند یا لباسم را بپوزد یا دیوارم را بسازد، برایش چنین (چیزی) است» و یا خاص است مانند اینکه به شخصی بگوید: «اگر مثلاً چهارپایم را برگردانی، برایت چنین (چیزی) است» و احتیاج به قبول ندارد، حتی در ایجاب خاص (موسوی‌خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۶۵).

با توجه به این تعاریف، نکاتی پیرامون ماهیت جعاله قابل بیان است:

در جعاله، خطاب به شخص معین ملاک صحت نمی‌باشد، بلکه خطاب عام به افراد غیرمعین نیز کافی است که در واقع ایجاب جاعل به صورت عام صادر می‌گردد. هر فردی که مقدم بر دیگران اقدام به انجام عمل نماید، مستحق جُعل (حق‌العمل) خواهد بود.

جعاله به قبول لفظی احتیاجی ندارد و به صرف انجام عملی، که موضوع جعاله است، قبول محقق می‌گردد. مطابق قول شهیدثانی در جعاله، معلوم بودن اجرت من جمیع جهات لازم نیست که مادهٔ ۵۶۳ قانون مدنی نیز بر این مطلب تصریح دارد.

در جعاله، علاوه بر اینکه معلومیت جُعل من جمیع جهات شرط نمی‌باشد، ممکن است کیفیات عمل موضوع جعاله نیز مردد و دارای اجمال باشد.

مطابق تعریف و مادهٔ ۵۶۷ قانون مدنی، عامل وقتی مستحق جُعل می‌گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد.

موضوع جعاله، هر عملی است که از حیث عقلایی دارای منفعت محلل و مشروع است. در مادهٔ ۵۷۰ قانون مدنی نیز به این عبارت این‌گونه اشاره دارد که جعاله بر عمل نامشروع و یا بر عمل غیرعقلایی باطل است که در معنا با کلام شهیدثانی یکی است.

حال با توجه به بیان ابعاد ماهیت جعاله باید گفت: از سوی مخترعین ارزشهای مجازی مانند بیت‌کوین، ایجاب عامی مبنی بر دریافت پاداش (حق‌العمل)، در برابر استخراج وجود دارد. همچنین استخراج، عملیاتی است که دارای جهات فنی پیچیده‌ای می‌باشد. عمده افرادی که اقدام به استخراج می‌نمایند، از جزئیات آن اطلاع کامل نداشته و تنها اجمالی از کلیات آن می‌دانند، ولی جزئیات این عمل، بر پایه منطق عقلایی و رضایی بنا نهاده شده است و نزد اهل فن، به نوع

مبسوط مشخص می‌باشد. استخراج‌کنندگان، تنها به نتیجه استخراج، که خلق ارز مجازی و کسب پاداش به ازاء این عمل است، علم دارند. در واقع، با انجام فعل عملیات استخراج، تقاضای ایجاب مخترعین را قبول کرده‌اند.

حال مسئله این است که خلق بیت‌کوین که از طریق استخراج انجام می‌گیرد، امری اعتباری است و اطراف حقیقی این اعتبار به علت مستحدثه بودن این ارزها، به صورت کامل مشخص نمی‌باشد. برای بیان اجمالی در مورد ماهیت این ارزها از حیث مالیت و ارزشگذاری، باید گفت: ارزش مبادله‌ای یا بر اساس امری واقعی تعیین می‌گردد، یا بر اساس موضوع معینی اعتبار. با توجه به اینکه رمز ارزها اعتباری هستند، مسئله اعتباریات و ریشه آن حائز اهمیت است. در باب اعتباریات می‌توان گفت: اعتباریات و انتزاعیات بر اموری اطلاق می‌شود که قائم به وجود اعتبارکنندگان است، مانند کلیت، جزئیّت، شیئیت. اعتباریات ممکن است در خارج منشأ انتزاع داشته باشند و ممکن است منشأ انتزاع بیرونی نداشته باشند و تنها بر ساخته ذهن فعال بشر باشند. در این خصوص شهید مطهری استعمال مفاهیم اعتباری را در علوم مختلف به دو دسته تقسیم کرده است:

الف. علوم اجتماعی: در این علوم، وقتی که مثلاً گفته می‌شود: قوانین یک سلسله امور اعتباری هستند یا گفته می‌شود: مالکیت امر اعتباری است؛ یعنی این امور یک سلسله امور قراردادی است. بشر در زندگی اجتماعی خود، چاره‌ای از برخی قراردادها ندارد. این قراردادها به دست خود بشر است.

ب. در اصطلاح فلسفی، فلاسفه معتقدند که دو گونه مفاهیم در ذهن بشر عارض می‌گردد: اول مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود دارند. این مفاهیم، از مثال‌های خارجی اخذ می‌گردند و بر ذهن عارض می‌شوند. دوم، مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود ندارد و از مفاهیم دیگری که در خارج موجودند، انتزاع می‌شوند. این مفاهیم، در اشیای خارجی صدق می‌کنند، ولی مفهوم موجود درباره آنها صدق نمی‌کند، مانند مفهوم امکان.

علوم اعتباری، هر چند دارای جایگاه ارزشمندی هستند، با براهین عقلی اثبات‌پذیر نیستند. مهم‌ترین عنصر در این علوم، نحوه اعتبار معتبر است که محتوای داشته‌های آنها را برای مخاطبان مشخص می‌کند. شناسایی اعتباریات در هر علمی، انسان را قادر می‌سازد تا تصویر درستی از آن علم به دست آورد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۶۲).

حال می‌توان گفت: در باب صحت معاملات باید عوضین منفعت معتبر عقلایی داشته باشند، مشروط به اینکه منع شرعی نداشته باشند؛ زیرا شارع آثار مالیت بعضی از اشیایی که عقلاً با آن معامله مال می‌کند، الغا کرده است؛ به این معنا که حکماً مال نمی‌باشند، نه آنکه شارع مالیت برخی از اشیاء را کاملاً الغا کرده باشد. با توجه به آنچه گفته شد، رمز ارزها نیز نوعی اعتباری می‌باشند که نحوه اعتبار آنها به گونه‌ای است که مابه‌ازایی در خارج نداشته است. از این رو، باید از حیث شرعی این امر بررسی گردد که این شیوه اعتبار معتبر در این دست ارزها، دارای اعتبار شرعی می‌باشد یا خیر؟ برای پاسخ به سؤال باید گفت: امام خمینی^ع بر این نظر تأکید دارند که گاهی شکل‌گیری مبادلات، به دلیل مالیت آنها و گاهی به خاطر غرض دیگری می‌باشد. در نتیجه، در معاملاتی که سایر مقاصد عقلایی (غیر از مالیت) در آنها موجود باشد را نیز می‌توان صحیح دانست (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲).

بنابراین، آنچه می‌توان نتیجه گرفت اینکه نفس احراز مالیت و وجود ارزش اجمالی بدون مشخص بودن اطراف ماهیت این ارزها، در جعاله کفایت می‌کند و استخراج بیت‌کوین، کلیه شرایط حاکم بر جعاله را دارا می‌باشد؛ زیرا مخترعین این ارزها، با ایجاب عام از مخاطبین هدف خود به‌طور ضمنی درخواست می‌کنند که در قبال دریافت واحدی از این رمزارزها با استفاده از سیستم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم، عملیات استخراج را انجام دهند. در مقابل، استخراج‌کنندگان با شروع به استخراج و در نهایت تأیید تراکنش، موضوع جعاله را انجام داده و مستحق جمل می‌گردند. در این خصوص، با توجه به آنچه گفته شد، ابهام در کمیت و کیفیت عمل استخراج و عدم معلومیت دقیق جمل (واحدی از خود این ارزها می‌باشد)، مانعی برای صحت جعاله نمی‌باشد.

تنها اشکالی که می‌توان بر صحت جعاله که موضوع آن استخراج رمز ارزها است، وارد کرد این است که اگر چه ابهام اجمالی در جمل مانع صحت نمی‌باشد، ولی این موضوع فرع بر مالیت این رمزارزها است و حتی با فرض وجود مالیت، ارزش آنها باید قابل ستجش باشد. در صورت رفع این دو مانع، که بر این رمزارزها وارد است، در صحت عقد جعاله تردیدی وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، ابهام اجمالی در جمل مانعیتی ندارد، ولی ابهام کلی (استغراقی) در مالیت یا ارزشگذاری قطعاً مانع خواهد بود. این مانع در کلیه عقود اعم از معین و غیرمعین وجود دارد. در صورت عدم رفع، عملیات استخراج باطل و بر هیچ عقد صحیحی قابل انطباق نخواهد بود. به این بیان که در برخی رمزارزها، مانند بیت‌کوین این احتمال وجود دارد که ما با توهم مالیت روبرو باشیم، مانند کسی که سکه بدل را به جای سکه اصل خریده است؛ وقتی کشف می‌شود سکه بدل هیچ ارزش و مالیتی ندارد، در بیت‌کوین هم این احتمال وجود دارد که با توهم پول مواجه بودیم. در این فرض، جعل هم مالیت نخواهد داشت و جعاله نیز باطل خواهد بود.

تحلیل استخراج از حیث فقه حکومتی

فارغ از مسائل فقه فردی و با فرض اینکه استخراج ارزهای مجازی، در قالب جعاله قابل تعریف باشد و اشکال فقهی بر آن وارد نباشد، باید ابعاد کلان و حاکمیتی این عمل را در نظام اقتصادی مورد بررسی قرار داد، تا حکم حلیت استخراج ارزهای مجازی در سطح فردی موجب ایجاد فساد و ضرر در نظام کلان اقتصادی و در سطح حکومتی نگردد و اصول و قواعد اسلامی را نقض ننماید. بدین منظور، در ادامه ابعاد و جوانب کلان اقتصادی امر استخراج مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است:

عدم تمرکز در خلق پول به دست حاکمیت‌ها (دولت‌ها و بانک‌های مرکزی)، هدف اصلی ایجاد این‌گونه رمزارزها از جمله بیت‌کوین بوده و وصف غالب این ارزهاست. از این‌رو، با توجه به این هدف و محقق شدن آن در عمل، با گسترش این ارزها، در کوتاه‌مدت، شاهد کاهش نقش دولت‌ها در خلق پول و اعمال سیاست‌های پولی و در بلندمدت، شاهد حذف دولت‌ها از عملیات خلق پول خواهیم بود. این بدین معناست که عملاً قدرت اقتصادی دولت که به‌وسیله ابزارهای مختلف مالی از جمله سیاست‌های پولی سامان‌دهی می‌گردد، دگرگون شده و نقش نظارتی دولت بر بازار پولی کاهش می‌یابد. همچنین، رابطه مستقیمی بین کاهش قدرت نظارت دولت‌ها در عرصه اقتصادی

با کاهش قدرت سیاسی دولت‌ها وجود دارد که این موضوع، به معنای کاهش قدرت حاکمیتی است. این تحلیل، به معنای ایجاد معنای جدیدی از دولت در آینده و یا جایگزینی ماهیت حقوقی دیگر به جای دولت خواهد بود. در نتیجه، اگر وجود حاکمیت متمرکز یک امر عقلایی باشد، کاهش قدرت حاکمیتی به تبع هر امری، از جمله کاهش قدرت اقتصادی دولت از قِبَل تحول در ماهیت خلق پول، به حکم قاعده حفظ نظام ممنوع خواهد بود. این نتیجه، از فرض عقلایی بودن وجود حاکمیت دولت‌ها، گرفته می‌شود که در ادامه توضیح داده می‌شود. حال اگر ماهیت خود استخراج با قواعد عام ناظر بر اقتصاد اسلامی، از جمله مفاهیمی چون عدالت تعارض داشته باشد، موضوع دیگری است که این نیز به حکم ایجاد اخلاق در نظام اقتصادی مورد نهی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، اگر چنانچه با گسترش استخراج ارزهای مجازی، شاهد تضعیف حاکمیت دولت اسلامی از ناحیه قدرت‌های اقتصادی بزرگ کافر باشیم و نتیجه آن، اضمحلال اقتصادهای کوچک‌تر به دست کافران باشد، این عمل از ناحیه قاعده نفی سبیل و حفظ نظام مورد نهی قرار خواهد گرفت.

همچنین، لازم به یادآوری است که یکی از فرصت‌های ارزهای مجازی قابل استخراج این است که در طراحی سازوکار فنی و الگوریتم آنها، این قابلیت وجود دارد که می‌توان با استخراج ارزهای مجازی، مانع خلق پول آبی و لحظه‌ای دولت‌ها و بانک‌های مرکزی شد. این امر موجب تحکیم قواعد پولی خواهد شد. در این صورت، استخراج ارزهای مجازی موجب حذف دخالت‌های مضر دولت‌ها می‌شود. لذا این مسئله می‌تواند یکی از محاسن استخراج و اعتباربخشی به ارزهای مجازی باشد؛ زیرا دخالت نابجای دولت موجب تغییر جایگاه صحیح پول گشته و در نتیجه، اثرات نامطلوب بر اقتصاد خواهد گذاشت. به عبارت دیگر، حقیقت این است که پول به‌عنوان واسطه مبادله یا وسیله حفظ ارزش، لازم است خود از ثبات مشخصی برخوردار باشد. امام سجاد^ع در خصوص ضرورت ایفای نقش معین پول در جامعه می‌فرماید: «و لا تحرفه عن موضعه و لا تصرفه عن حقائقه» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱)؛ و آن را (مال را) از موضع و جایگاه (بایسته اش) منحرف نکن و از حقیقت ماهوی آن خارج نساز. بنابراین، در تحلیل فقهی و اسلامی استخراج ارزهای مجازی، باید نسبت به مصادیق مختلف ارزها، این نکات مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. حال با توجه به این مقدمه در مقام تحلیل فقهی - حقوقی، ماهیت استخراج در دو بخش جداگانه بحث می‌گردد:

بررسی ماهیت استخراج از حیث احکام ثانویه و قاعده نفی ضرر و حفظ نظام

برای بررسی دقیق موضوع، در مقدمه‌ای باید گفت که با استناد به ادله متعدد، وجود حکومت امری ضروری است و با عنایت به آن، لازم به ذکر است که حکومت اسلامی، باید مجری قانون و حامی قواعد و اصول اسلامی باشد و در این راه، هرگونه ابزار و سازوکاری که این موضع را تقویت کند، باید تقویت شود. در مقابل، هر ابزاری که موجب تضعیف این موضع شود، باید تضعیف گردد؛ زیرا اصولاً حکومت اسلامی نیز برای اجرای قوانین اسلام و حمایت از معیارها و موازین اسلامی تشکیل می‌شود.

حال همان‌طور که بیان شد، ارزهای مجازی قابل استخراج هم می‌توانند به‌گونه‌ای طراحی شده باشند و یا

طراحی شوند که موجب تضعیف حکومت اسلامی گردند و هم می‌توانند به‌گونه‌ای طراحی گردند که مانع دخالت‌های بی‌وجه و مضر دولت‌های اسلامی شوند. اگر چنانچه گسترش یک ارز مجازی خارجی - ارزی که توسط نهادهای و افراد خارج از حکومت اسلامی طراحی شده است و از بیرون مرزهای حکومت اسلامی وارد نظام اقتصادی آن حکومت می‌شود - در یک جامعه اسلامی موجب شود که حاکمیت پولی و اعمال سیاست‌های انقباضی و انبساطی پولی، در جهت اجرای قواعد و اصول اسلامی تقویت گردد، باید آن ارز و استخراج آن در حکومت اسلامی مورد حمایت قرار گیرد. در مقابل، اگر رواج ارز مورد نظر موجب تضعیف قدرت حکومت اسلامی در اجرای قوانین اسلامی گردد، باید استخراج آن ممنوع گردد. بنابراین، با توجه به مصادیق مختلف ارزهای مجازی باید نسبت به هر یک، بررسی مجزایی در راستای تحلیل شرط مذکور صورت گیرد.

بنابراین، برای بررسی ماهیت استخراج از حیث احکام ثانویه، باید گفت: در باب تحلیل فقهی - حقوقی باید دید فارغ از صحت و یا عدم صحت احکام مربوط به یک ماهیت از حیث احکام اولیه، مانعی از حیث احکام ثانویه برای آن ماهیت وجود نداشته باشد.

لازم به یادآوری است که اصولیان در اینکه آیا تعلق احکام ثانویه موجب تغییر احکام اولیه می‌گردد، یا خیر با یکدیگر اختلاف دارند. ولی با توجه به تعریف احکام ثانویه باید گفت: عروض عناوین ثانوی بر احکام اولیه موقتی است. با رفع فعلیت عناوین ثانوی، احکام اولیه جاری می‌گردد. امام خمینی^ع در این باره بیان می‌دارند:

هرگاه عناوین ثانوی، مانند شرط، نذر و عهده به چیزی تعلق بگیرند، حکم آن را تغییر نمی‌دهند. از این روی، اگر کسی نذر کند نماز شب بخواند یا خواندن آن را به کسی شرط کند، این نماز، واجب نمی‌شود، بلکه بر مستحب بودن پیشین خود باقی است. آنچه در این زمینه واجب است، تنها وفای به شرط است و معنی این واجب بودن، بایستگی گزاردن نماز شب، به‌عنوان استحباب است. بنابراین، متعلق وجوب، عنوانی است و متعلق استحباب، عنوانی دیگر. و سرایت کردن حکم عنوانی به‌عنوان دیگر، امری است نامعقول و مصادق خارجی که مورد اجتماع هر دو عنوان است مصادق ذاتی نماز شب و مصادق عرضی نذر آن را متعلق حکم دیگری قرار نمی‌دهد. در شرط نیز چنین است (موسوی‌خمینی، ۱۳۲۱ق، ج ۵، ص ۱۷۳).

از جمله عناوین ثانوی که بیشترین سهم را در عروض بر احکام اولیه دارند، می‌توان به حفظ نظام اسلامی، قاعده نفی ضرر، اکراه، اضطراب و تقیه اشاره کرد. در نتیجه، اگر در مقام تحلیل ماهیت استخراج یک ارز مجازی، ضرر ناشی از تمرکززدایی از حاکمیت پولی را موجب تضعیف اقتصاد و بالتبع تضعیف نظام سیاسی حکومت اسلامی تشخیص دهیم، بنابر حکم ثانوی، تا زمانی که عملیات استخراج که منتهی به خلق ارز مجازی مورد نظر می‌گردد، سازوکاری نیابد که وصف تضعیف نظام اسلامی را در پی نداشته باشد، به حکم ثانوی و تحت عنوان «قاعده حفظ نظام» و «قاعده نفی ضرر»، عملیات استخراج آن ارز مورد نهی قرار می‌گیرد.

لازم به یادآوری است با توجه به اینکه در خصوص ارز مجازی بیت‌کوین، مشخصاً هدف تمرکززدایی از موضوع حاکمیت پول و خارج کردن کنترل و نظارت بر آن توسط دولت‌ها بوده است و این هدف الان هم دنبال می‌شود،

می‌توان گفت: گسترش این ارز در جامعه اسلامی با اصل حاکمیت پولی حکومت اسلامی در نظام اقتصادی اسلام در تعارض است و خود موجب هرج و مرج اقتصادی می‌شود و مخالف ادله عقلی و نقلی بیان شده می‌باشد.

ارتباط استخراج رمزارزها با مفهوم عدالت در نظام اقتصادی

یکی دیگر از مسائل کلان در نظام اقتصادی اسلام، بحث عدالت است. در باب فقه حکومتی، اصول و معیارهای فراوانی وجود دارد که برقراری عدالت، یکی از مهم‌ترین آنها است. به عبارت دیگر، نظام توزیع عادلانه ثروت و درآمد، زیرمجموعه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است. لذا تحت تأثیر اصول، مبانی و اهداف آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، این نظام با سایر نظام‌های همجوار خود (تولید، مصرف و...)، که به‌عنوان زیرمجموعه‌های دیگر نظام اقتصادی اسلام مطرح‌اند، همسنگی‌های خاصی دارد. نظام توزیع عادلانه نیز به‌عنوان یک نظام، دارای اجزاء، روابط و اهداف خاص خود است. در نظام‌های الهی، با توجه به نگرش توحیدی و علم کلام، روابط نظام و اهداف آن از سوی خداوند عالم و قادر و خالق نظام احسن خلقت، تعیین شده است. براین اساس، ضوابط و اهداف نظام عادلانه توزیع نیز از طریق وحی مشخص شده است (عیوضلو، ۱۳۷۵، ص ۸۷).

همچنین، سازوکار عدالت توزیعی ثروت از مفهوم عدالت اجتماعی نشئت می‌گیرد که در تعریف آن، این‌گونه آورده‌اند: «عدالت اجتماعی عبارت است از: ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶ ص ۱۶۷). خداوند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه حشر، بیان می‌دارد: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ یعنی حکمی که درباره مسئله فیء شده است، تنها برای این بود که این‌گونه درآمدها میان اغنیاء دست‌به‌دست نشود (طباطبائی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳).

با توجه به آنچه به صورت اختصار بیان شد، در نظام پولی اسلام و توزیع ثروت آن، هر نهادی با هر سازوکاری قصد ورود دارد، باید با گزاره‌های کلی نظام اقتصادی اسلام هماهنگ باشد. در غیراین صورت، تنها در صورت رفع مانع مجاز به انجام فعالیت خواهد بود. حال با این مقدمه، باید بررسی شود که آیا استخراج ارزهای مجازی، عدالت توزیعی ثروت را که اسلام بر آن تأکید دارد، می‌تواند رعایت کند یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال، همان‌طور که در ابتدا هم توضیح داده شد، باید گفت: سازوکار اکثر ارزهای مجازی قابل استخراج مانند بیت‌کوین، به‌گونه‌ای طراحی شده است که از یک سو، جایزه و پاداش استخراج پس از یک مدت مشخص تعلق می‌گیرد. از سوی دیگر، به‌عنوان مثال، در یک مورد نمونه یعنی بیت‌کوین، طبق طراحی انجام شده از ابتدای خلق بیت‌کوین یعنی سال ۲۰۰۹ به بعد، با صرف انرژی و زمان کمتر، بیت‌کوین بیشتری قابلیت استخراج و دریافت بوده است، ولی با گذشت زمان، انرژی و زمان لازم جهت استخراج بیشتر و در مقابل پاداش کمتری حاصل می‌گردد؛ زیرا در بیت‌کوین پاداش استخراج پس از هر ۲۱۰ هزار بلاک (تقریباً ۴ سال) نصف می‌شود. ابتدای شروع بیت‌کوین، جایزه‌ها ۵۰ بیت‌کوین بود که پس از ۴ سال جایزه به ۲۵ بیت‌کوین کاهش یافت و در حال حاضر، جایزه استخراج هر بلاک معادل با ۱۲/۵ بیت‌کوین است. همچنین، سازوکار بیت‌کوین به‌گونه‌ای طراحی شده است که با

گذشت زمان و افزایش تعداد استخراج کنندگان و افزایش قدرت پردازش شبکه، معادله سخت شده و حل معادله، نیازمند هزینه و انرژی بیشتری خواهد بود (ساتوشی، ۲۰۰۹؛ فرانکو، ۲۰۱۴).

بنابراین، در طراحی ارز مجازی بیت‌کوین، ما شاهد این هستیم که به مرور زمان با افزایش سختی الگوریتم برای آنکه بتوان معادله را حل کرد و پاداش را دریافت نمود، ناگزیر نیازمند دستگاه‌های استخراج بسیار قدرتمندتر هستیم و هزینه این دستگاه‌ها بسیار بالاست. در نتیجه، تنها افراد و نهادهای ثروتمند می‌توانند به استخراج و دریافت رمزارزها بپردازند و به عبارت دیگر، ارز مجازی خلق شده فقط به افراد سرمایه‌دار می‌رسد و یک تمرکز در استخراج به وجود می‌آید. مؤید این ادعا، این است که امروزه پس از گذشت ۱۰ سال از اختراع بیت‌کوین، شاهد این تمرکز در استخراج بیت‌کوین هستیم. طبق آمار و ارقام، امروز بیش از ۸۵ درصد از توان استخراج بیت‌کوین در دست ۹ شرکت بزرگ استخراج‌کننده بیت‌کوین در چین و آمریکا است که استخراج نامگذاری می‌شوند. از این رو، این تمرکز در استخراج نوعی تمرکز در ثروت است که مخالف با نظام توزیع ثروت بیان شده می‌باشد.

البته لازم به ذکر است که با توجه به قابلیت‌های ارزشی مجازی، امکان طراحی ارزشی مجازی با سازوکارهای متفاوت وجود دارد که در آنها مشکل عدالت توزیعی وجود نداشته باشد و استخراج آنها از نظر فقهی جایز باشد. به عنوان مثال، اگر در طراحی ارز مجازی با افزایش سختی شبکه، میان بالا رفتن قدرت پردازشگر و احتمال تأیید تراکنش رابطه مستقیم برقرار نگردد، مشکل عدالت و تمرکز در استخراج به وجود نمی‌آید و استخراج آن ارز بلامانع است.

در جمع‌بندی باید گفت: وجود نقاط ضعف بیان شده در بیت‌کوین، به معنای نفی کلی فرصت‌های ناشی از ارزشی مجازی نمی‌باشد، بلکه با وجود نقاط ضعف در ارزشی مجازی قابل استخراج و غیر آن باید به این ماهیت مستحده به عنوان فرصتی نگریسته شود.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، سعی شد که مشروعیت درآمد حاصله از استخراج ارزشی مجازی، مورد تحلیل قرار گیرد. ماهیت استخراج، با توجه به شقوق مختلفی که از نظر فقهی بیان شد، به جهت ابهام در موضوع محل اشکال است که با توجه به این نقص، ماهیت فعلی استخراج برخی از ارزشی مجازی، محکوم به نهی شرعی است. حتی جعاله که انعطاف بیشتری نسبت به سایر قراردادهای دارد، به جهت ابهام کلی در مالیت اصل بیت‌کوین و جعل استخراج، با مشکل مواجه هستیم. از این رو، می‌توان گفت:

- سازوکار استخراج، در قالب جعاله در نظام کسب و کار اسلامی تعریف می‌شود و عقد مشارکت و شراکت جایگاهی ندارد.

- با توجه به گسترش مصادیق مختلف ارزشی مجازی، باید حکم استخراج هر ارز مجازی را به صورت مجزا با اصول و قواعد اسلامی تطبیق داد. در این راستا، از منظر فقه فردی اگر پاداشی که در ازای فعالیت استخراج ارز مجازی پرداخت می‌شود، امری اعتباری باشد که در نظام اقتصادی مابزه‌اذا نداشته و اعتباری نامعتبر باشد، جعاله منعقد

نمی‌شود. همچنین، از منظر فقه حکومتی، پرداختن به فعالیت استخراج ارزهای مجازی‌ای، که منجر به تقویت حکومت اسلامی در اجرای اصول و قواعد اسلامی گردند، جایز بوده و باید مورد حمایت قرار گیرند. در مقابل، استخراج ارزهایی که موجب استیلاء نظام سلطه بر حکومت اسلامی شوند، جایز نیست.

استخراج ارز مجازی بیت‌کوین، به علت اهداف و سازوکار فنی به‌مثابه کمک کردن به یک نظام پولی‌ای است که در آن، خلق پول و قدرت حاکمیت پولی از حاکمیت حکومت اسلامی خارج بوده است و در نگاه کلان، ممکن است که منجر به استیلاء نظام سلطه بر حکومت اسلامی شود و جایز نیست.

در نظر نویسندگان، این حکم بدان معنا نیست که مزایای ارزهای مجازی نادیده گرفته شود و به‌صورت دائمی نهی شرعی بر ماهیت استخراج تمام ارزها داشته باشد، بلکه قابلیت انطباق فقه با مسائل مستحدثه ما را به این موضوع رهنمون می‌کند که به تبع رفع این نواقص، حکم نیز به تناسب آن تغییر خواهد کرد. در نتیجه، باید به دنبال کشف روش‌های مختلفی بود که امکان ارزشگذاری بر ماهیت خلق شده از استخراج را دارد و الگوی ایجابی مبتنی بر ابزارها و فناوری پیشرفته موجود امکان‌پذیر است.

منابع

- بیات، فرهاد و شیرین فرهاد، ۱۳۹۸، *شرح جامع قانون ملنی*، تهران، ارشد.
- توکلی، محمدرضا، ۱۳۹۷، *مختصر حقوق تجارت*، تهران، مکتوب آخر.
- حرانی، حسن بن علی، ۱۳۹۴ق، *تحف العقول*، قم، بصیرتی.
- خردمند، محسن، ۱۳۹۸، «بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکه «بیت کوین»»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۲۰، ص ۱۰۹-۱۲۴.
- سلیمانی پور، محمدمهدی و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی فقهی پول مجازی»، *تحقیقات مالی اسلامی*، ش ۱۲، ص ۱۶۷-۱۹۲.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۸۶ق، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*، نجف، الدینیة.
- صدر، محمداقبر، ۱۳۹۹ق، *خطوط تفصیلیة عن اقتصاد المجتمع الاسلامی*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۱، *تفسیر المیزان*، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمدین حسن، ۱۳۸۷، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، مرتضوی.
- عبوضلو، حسین، ۱۳۷۵، *نظریه‌های در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلام*، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و معاونت امور اقتصادی.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، *قواعد عمومی قراردادهای*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- محقق حلی، ابوالقاسم، ۱۴۰۹ق، *شرایع اسلام*، تهران، استقلال.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- _____، ۱۳۸۱، *یادداشت‌ها*، تهران، صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۱ق، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.
- _____، ۱۳۹۲، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.
- نواب پور، علیرضا، ۱۳۹۷، *تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت کوین)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق^ع.
- نواب پور، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۷، «تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت کوین)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۳، ص ۲۱۳-۲۴۳.
- Abu-Bakar, Mufti Muhammad, 2018, "Shariah Analysis of Bitcoin, Cryptocurrency, and Blockchain", in: <https://blossomfinance.com/bitcoin-working-paper>.
- Davidson, Sinclair & de-Filippi, Primavera & Potts, Jason, 2016, "Economics of Blockchain", *Public Choice Conference*, Fort Lauderdale, United States. ff10.2139/ssrn.2744751ff.
- Franco, Pedro, 2104, *Understanding Bitcoin: Cryptography, Engineering and Economics (The Wiley Finance Series)*, Wiley; 1 edition, The Wiley Finance Series (Book 1).
- Mufti Faraz Adam, 2017, "Money and Bitcoin According to Islamic Law and Economics", in: <https://www.scribd.com/document/383062046/A-Research-on-Money-and-Bitcoin>
- Satoshi Nakamoto, 2009, "Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System", in: <https://bitcoin.org/bitcoin.pdf>.
- Wright, Aaron & De Filippi, Primavera, 2015, "Decentralized Blockchain Technology and the Rise of Lex Cryptographia", in: <https://www.intgovforum.org/cms/wks2015/uploads/proposalbackgroundpaper/SSRN-id2580664.pdf>.